

حکایت دولت و فرزاندگی



مارک فیشر

مترجم

گیتی خوشدل

فهرست

- ۷ یادداشت مترجم
- ۹ پیش‌گفتار ناشر
- ۱۱ فصل اول: حکایت مشاورهٔ مرد جوان با خویشاوندی دولتمند
- ۱۷ فصل دوم: حکایت دیدار جوان با باغبانی سالمند
- ۲۵ فصل سوم: حکایت آموزش جوان برای غنیمت شمردن فرصت و خطر
- ۳۵ فصل چهارم: حکایت به حبس افتادن جوان
- ۳۷ فصل پنجم: حکایت آموزش ایمان
- ۴۱ فصل ششم: حکایت آموزش تمرکز بر هدف
- ۴۷ فصل هفتم: حکایت ارزش تصویر از خود
- ۵۵ فصل هشتم: حکایت کشف نفوذ کلام
- ۶۳ فصل نهم: حکایت نخستین آشنایی با دل گل سرخ
- ۶۵ فصل دهم: حکایت تسلط بر ضمیر ناهشیار
- ۷۱ فصل یازدهم: حکایت بحث در باب ارقام و قواعد
- ۷۹ فصل دوازدهم: حکایت یادگیری نیکبختی و زندگی
- ۸۹ فصل سیزدهم: حکایت یادگیری بیان خواسته‌ها در زندگی
- ۹۵ فصل چهاردهم: حکایت کشف اسرار باغ گل سرخ
- ۱۰۷ فصل پانزدهم: حکایت لحظه‌ای که هر یک به راه خود می‌رود
- ۱۱۱ پیامد

یادداشت مترجم

اگر شعرهایم را کنار بگذارم - میراثی که از من بجا می ماند - میان ترجمه هایم به دو کتاب دلبستگی ویژه ای دارم. یکی همین کتاب حکایت دولت و فرزادنگی است که رموز ذهن ناهشیار را به لطیف ترین شکل ممکن در قالب داستان بیان می کند و چون کتاب هم اکنون در اختیار شماست از توضیح بیش تر درباره آن خودداری می کنم و شما را به مطالعه آن دعوت می کنم، و دیگری کتاب من در هر آن چه می بینم هستم که توسط نشر قطره به انتشار رسیده است.

علاقه وافرم به کتاب من در هر آن چه می بینم هستم از آن جهت است که:

- (۱) اگر نقاش بودم آرزو می کردم تصویرگر این کتاب باشم.
- (۲) اگر نویسنده قصه های کودکان بودم آرزو می کردم این داستان را بنویسم که چکیده باورهایی است که خود نسبت به زندگی، انسان ها و اشیا دارم.
- (۳) و اگر می خواستم طبق گفته های خانم شاکتی گواپن در کتاب

تجسم خلاق برای خود نقشه گنجی درست کنم - که به شدت مورد تأکید و توصیه اوست - یقیناً برای رسیدن به خواسته‌ها و هدف‌هایم از کتاب من در هر آن چه می‌بینم هستم سود می‌جستم.

این اثر اگرچه ظاهری کودکانه دارد اما دیدگاهش هم برای کودک و هم برای والدین و مربیان کودک سودمند است، چراکه آن‌ها نقش تعلیم و تربیت کودک را به عهده دارند. وانگهی من در هر آن چه می‌بینم هستم انسان را در فضای معصومانه و زیبای عشق و یگانگی با هستی قرار می‌دهد که جوهر وجود همه ماست.

با محبت و احترام

گیتی خوشدل

پیش‌گفتار ناشر

هر عصر و زمانه‌ای داستانهای خاص خود را می‌طلبد؛ به ویژه آنها که فرهنگ و بستر^۱ چنین تعریفشان می‌کند: «داستانهایی که حقیقتی سودمند را تقویت می‌کنند.» این کتاب کوچک، داستانی قوی و بکر، داستانی که یکی از سودمندترین حقایق را آشکار می‌سازد بر ما عرضه می‌کند: این حقیقت را که توانگری و وفور مالی، و یک زندگی نیک زیسته و سرشار از توفیق، هدف‌هایی هستند که اگر اصول کامیابی را دریابیم و به کار بندیم، همه ما می‌توانیم به آنها برسیم.

شاید داستان، ظرفیت‌ترین صورت برای بیان این حقایق باشد. زیرا در سادگی کودکانه داستان، می‌توانیم با سادگی کودکانه ذهن نیمه‌هشیارمان، به طور مستقیم رابطه برقرار کنیم، و در زندگیمان دگرگونی‌های مثبت فراوان و عظیم بیافرینیم.

مفتخریم که در ایالات متحد آمریکا، ناشر این کتاب هستیم. این

کتاب پیشاپیش در ده کشور دیگر، از جمله بیشتر کشورهای اروپای غربی، ژاپن، چین، مکزیک و برزیل انتشار یافته است. نویسنده کتاب، دولتمندی اصیل است. یعنی «به گفته اش عمل می کند» و حکایتش را نمی توان جدی نگرفت.

این کتاب برای بارها خواندن و مطالعه دقیق و به کار بستن است. کتابی درخشان که از بسیاری جهات می تواند دولتمندان کند - و بعضی از این جهات - بسی رضایت بخش تر و ارزشمندتر از ثروت مادی است.

مارک آلن^۱

ناشر

فصل اول

حکایت مشاوره مرد جوان با خویشاوندی دولتمند

روزگاری جوانی هوشمند می زیست که می خواست دولتمند شود. آکنده از نومیدها و موانعی انکارناپذیر، هنوز به ستاره بخت خود اعتقاد داشت. در حالی که منتظر لبخند بخت خویش بود، به عنوان دستیار مدیر حسابداری در شرکت تبلیغاتی کوچکی کار می کرد. حقوقش بسنده نبود و مدتی بود که احساس می کرد کارش برای او چندان رضایتی به همراه نمی آورد. دیگر دست و دلش به کار نمی رفت.

در این فکر و رؤیا بود که به کاری دیگر دست بزند، شاید کتابی یا داستانی بنویسد که دولتمند و پراوازه اش کند و تنگناهای مالی اش را یکباره و برای همیشه پایان دهد. اما آیا جاه طلبی او اندکی غیرواقع بینانه نبود؟ آیا به راستی از استعداد و فنون کافی برای نوشتن کتابی پرفروش برخوردار بود، یا صفحات از سرگشتگیهای غم افزای نامتمرکز فلاکت درونش پُر می شدند؟